

غایبان آمار کار

کودکان زیادی زیر سن قانونی در کارگاه‌های شهر کار می‌کنند اما در آمارها نشانی از آن‌ها نیست

سعیده آل ابراهیم
s.aalebrahim@shahraranews.ir



هر روز حوالی ساعت ۸ و ۹ صبح می‌رود سسر کار تا شنب؛ البته گاهی زودتر و گاهی دیرتر به خانه برمی‌گردد. باید هر روز در چاله سرویس تعمیر گاه،ور دست استاد کارش باشد تا هم آچار و پیچ‌گوشنی به صاحب کارش بدهد و هم نم‌نمک کار را یاد بگیرد. همین است که محمود هر شب با دست‌ها و صورتی سیاه به خانه برمی‌گردد. شغل جلوبندی ماشین، برای یک بچه ده‌ساله باید کار سنگین و البته خطرناکی باشد. بلدهای کار می‌گویند هر لحظه ممکن است چکش از دستش در برود و آسیب ببیند یا اینکه ممکن است ماشین رویش بیفتد؛ جدای از این، تعمیر گاه‌ها در ایسن روزهای کرونایی، مکانی آلوده محسوب می‌شوند، با این حال او هنوز هم کار می‌کند. حقوقش با انعامی که هرازگاهی نصیبش می‌شود، هفته‌ای ۵۰هزار تومان است. محمود فقط ۱۰ سال دارد، اما بیشتر از سنش، بزرگ شده است. آن‌طور که خودش می‌گوید، پدرش سال‌ها مصرف‌کننده موادمخدر بوده و حتی کارتن خواب شده و به زندان هم رفته است. مادرش هم چند سالی درگیر این بلای خانمان سسوز بوده است. می‌شود گفت او و برادر بزرگ ترش روی پای خودشان ایستاده و بزرگ شده‌اند. حالا اما گویا یک سالی است که پدر و مادر محمود ترک کرده‌اند. محمود می‌گوید: دوباره با هم زندگی می‌کنیم. شش‌ماهی با پدر در یک تعمیر گاه کار کردم که صاحب کارش، آشنایمان بود و هفته‌ای ۴۰هزار تومان به من می‌داد. می‌گفت هرچه انعام گرفتی، برای خودت. اما چندوقتی است به این تعمیر گاه آمدم؛ البته تنها.

محمود بچه کم‌حرفی است. همکاریاش این کم‌حرفی را تایید و آن را به مظلومیت، تعبیر می‌کنند. راستست می‌گویند؛ چون با من هم بریده بریده و خجالت‌زده صحبت می‌کند. دلش می‌خواهد در این سن کم، کمک‌خرج خانواده‌اش باشد؛ برای همین به فضای شلوغ تعمیر گاه آمده است. از اینکه میانه حرف‌های ناجوری که زده می‌شود، چیزی هم به او گفته شود، زیاد دلخور نمی‌شود. اگر هم بشود، کار چندانی از دستش برنمی‌آید. او یک بچه است در فضای بزرگ‌ترها.

کار کودک به هر شکل و شیوه‌ای ناپسند است، با این حال روایتی که می‌خوانید، نمونه‌ای است از کار کودکان در فضای شغلی این شهر؛ فضایی که یک کودک را با حق‌وحقوقی بسیار کمتر از یک کارگر بزرگ‌سال و بدون بیمه و هر نوع مزایای دیگر در مکانیکی، کفاشی، بنایی و... به کار می‌گیرد و آن‌ها را در معرض انواع آزارهای جسمی، روانی و حتی جنسی قرار می‌دهد.

نکته: نام کودکان این گزارش به درخواست خود آن‌ها، تغییر کرده است.
● **دست‌های زخم‌ت دخترانه**
«هر روز متوجه می‌شدم که تعدادی از بچه‌ها حواسشان ششش‌دانگ، جمع درس نیست. دلشان می‌خواهد که درس یاد بگیرند، اما انگار خسته‌اند. خاطرم هست یک‌بار زمستان بود، بچه‌ها یکی‌یکی پای میززم می‌آمدند تا مشق‌هایشان را نگاه کنم. دست‌های لطیف و کوچک و دخترانه هانیبه به اندازه یک کارگر، زمخت و پوست‌پوست شده بود. پرسیدم چرا دست‌هایت این‌طور شده است؟ انگار که خجالت کشیده باش، دست‌هایش را پشتشت پنهان کرد و چشم‌هایش را به زیر انداخت. دیگر هر روز کارم این شده بود که با کرم مرطوب‌کننده دست‌های هانیبه را چرب کنم تا کمی بهتر شود. از طریق دفتر مدرسه پیگیر شدم و فهمیدم که او و تعداد دیگری از دختران در زمین‌های این و آن زعفران جمع می‌کنند.» این تنها بخشی از روایت خانم احدی است که در یکی از مدارس پایین‌شهر تدریس می‌کند. خانم احمدی، دانش‌آموز دختر دیگری داشته که یازده‌ساله بوده است و به‌خاطر اینکه پدر و مادرش هر دو اعتیاد داشتند، با دایی و زنده‌ای‌اش زندگی می‌کرده است: «آن‌ها خرچی‌اش را نمی‌دادند و او باید از کودکی روی پای خودش می‌ایستاد؛ برای همین حتی قبل از اینکه به سن قانونی برسد، برای کار به کارخانه می‌رفت.» احمدی ادامه می‌دهد: از همکاران مرد شنیده بودم که در آن مناطق، کار میان دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران مرسوم است؛ به همین خاطر آن‌ها فقط تا ششم درس می‌خواندند و بعد از آن، ترک‌تحصیل می‌کردند و سر کار می‌رفتند.

● **بثای ماهر یازده‌ساله**

روایت معلم دیگری از دانش‌آموزانش در حاشیه شهر با این مصداق شروع می‌شود که تعدادی از دانش‌آموزانم در پانزده یا شانزده‌سالگی، یک بتا یا مکانیک ماهر هستند. این نشان می‌دهد که آن‌ها چندین سال است به این کار مشغول هستند. آقای رضازاده می‌گوید: خیلی از دانش‌آموزان مدرسه ماحتی در این مدت کرونا، به سر کار می‌روند. چون این مدرسه در حاشیه شهر واقع شده است و وضعیت اقتصادی بیشتر خانواده‌ها خوب نیست، بچه‌ها کمک‌خرج خانواده می‌شوند.

حبس، در انتظار کارفرمایی که کودکان را به کار می‌گیرند

مدیر روابط کار اداره کل کار، تعاون و رفاه اجتماعی با اشاره به ماده ۲۹قانون کار که به کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده است، می‌گوید: در فصل جرائم نیز آمده است که اگر کارفرمایی از این موضوع تخلفی کند و در گزارش بازرس مجرز شود، فرد متخلف را به دادگستری معرفی می‌کنیم تا اعمال قانون شود. عطا متین‌فر در پاسخ به شهرآرا، اظهار می‌کند: در صورتی که کارگاه‌ها کودکان زیر ۱۵ سال را به کار بگیرند، اگر تعدادشان تا ۱۰ نفر باشد، ۲۰۰ تا ۵۰۰برابر حداقل دستمزد یک کارگر جریمه می‌شوند و علاوه بر جریمه نقدی در صورتی که تخلف خود را تکرار کنند، به سه تا شش ماه حبس، محکوم می‌شوند.

وی با بیان اینکه از طریق گزارش‌های مردمی، کار کودکان در کارگاه‌های زیرزمینی را رصد می‌کنیم، ادامه می‌دهد: متأسفانه از



زنگ خطر

هر سال ۱۰۰۰کودک کار درخراسان رضوی به بهزیستی ارجاع داده می‌شوند. حدود ۹۰درصد کودکان کار استان که تحویل بهزیستی داده می‌شوند، در وارد حوزه شبه‌خانواده می‌شوند. درمورد ۴۰۰نفر دیگر برای حل مشکل، به‌صورت روزانه به خانواده‌هایشان مراجعه می‌شود. در شاخص‌های سلامتی، آمار ایزد درمیان کودکان کار، ۴۵برابر میانگین جامعه است که یک فاقه به شمار می‌رود. همچنین موضوع اعتیاد درمیان کودکان کار، بسیار جدی است.

و تمرکز ندارند.» این‌ها را رضازاده می‌گوید که سال‌هاست از زیربوم مشکلات بچه‌های مدرسه‌اش که در حاشیه شهر واقع است، باخبر است.
● **عزیزاحمد، هرروز بساط روسری‌پهن می‌کند**
جنه عزیزاحمد به بچه‌های هفت یا هشت‌ساله می‌خورد، اما دوازده‌ساله است. او هر روز ۸صبح روسری‌های رنگی را کنار خودش مانند سفره‌ای، پهن و بازار گرمی می‌کند تا خانم‌ها تگاهی به روسری‌هایش ببینازند و دست‌آخر یکی‌دوتایی بخزند؛ بعضی روزها هم شانش با او یار نیست و مجبور است دست را تکیه‌گاه چانه‌اش کند و رفت‌وآمد آدم‌ها را در کنار بساط روسری تماشا کند. خانواده عزیزاحمد، مهاجر هستند و سال‌هاست که در ایران زندگی می‌کنند و پدر او، جز همین بساط روسری، منبع درآمد دیگری ندارد. پدر عزیزاحمد می‌گوید: دو دختر و دو پسر دارم. عزیزاحمد، پسر بزرگم است. تا وقتی مدرسه‌ها باز بود، بعضی اوقات چندساعتی می‌آمد و با هم روسری می‌فروختم. حالا که به‌خاطر کرونا مدرسه‌ها تعطیل شده است، صبح تا شب با خودم به «شلوغ‌بازار» می‌آید. من، اول و عزیزاحمد، آخر بازار، بساط روسری پهن می‌کنیم. سرجمع شاید هفته‌ای ۶۰ تا ۷۰هزار تومان بفروشیم که ۱۰هزار تومان آن سود است. عزیزاحمد پول‌هایی را که درمی‌آورد، به پدرش می‌دهد؛ به این خاطر که باید کمک‌خرج خانواده باشد تا سفره‌شان خالی نماند. پدر می‌گوید در این روزهای کرونایی بعضی اوقات، ماسک می‌زنند و گاهی نه؛ چون

ارجاع سالانه ۱۰۰۰کودک کار به بهزیستی

معاون امور اجتماعی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی معتقد است که اگر خانواده‌های این کودکان تحت پوشش بهزیستی باشند، به آن‌ها کمک می‌شود و ادامه می‌دهد: حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که خانواده نیازمند است، باز هم به کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال غیرقانونی است، زیرا در آن زمان، کودک باید بازی و تحصیل کند. وادار کردن کودک به کار سخت و بهره‌کشی اقتصادی، درست نیست. غلامحسین قحدادی در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآرا، اظهار می‌کند: در صورتی که کار کودکان در کارگاه‌ها صورت بگیرد، باید بازرسان اداره کار گزارش دهند و برخورد کنند، اما در غیر این صورت از طریق ۱۲۲، ۱۳۷ یا سایر مبادی به ما اطلاع داده می‌شود. وی ادامه می‌دهد: قانون نانوشته‌ای وجود دارد که اگر بچه به همراه پدر یا مادرش کار کند، انگار دلسوزترین فرد به این کودک، همان مادر یا پدر است، پس ایرادی ندارد. از یک‌سو تعدادی می‌گویند کار کودک موجب خنثی‌او می‌شود اما بحثی وجود دارد و آن‌هم اینکه اگر کودک آزار ببیند و بحث بهره‌کشی اقتصادی مطرح باشد، درواقع



روزنامه
شهرآرامید
وزندگی

شنبه
۱۱ تیر ۱۳۹۹
شماره ۳۱۴۰

۵۵



SHAHRAANews.ir
جامعه

عکس: محمدحسین صابانی/شهرآرا

آن‌قدر درآمد ندارند که قسمتی از آن را هم صرف خرید ماسک و این‌طور چیزها کنند. پدر و مادر ابوالفضل از هم جدا شده‌اند. فاطمه‌خانم، سه سال است که مادر خوانده ابوالفضل است و به قول خودش، یک سال است در کارگاه خراطی خانگی برادرش کار می‌کند و ابوالفضل را هم همراه خودش می‌برد تا کارهای سبک‌تر را انجام بدهد. فاطمه‌خانم می‌گوید: در کارگاه برادرم، پیراهن مردانه می‌دوزیم. پسرهم کمک‌دست خودم است. بچه‌های چرخ‌کارهای دیگر هم می‌آیند که هم‌سن‌وسال ابوالفضل هستند و بین کار، گاهی با هم بازی می‌کنند. برادرم که به بچه‌ها پولی نمی‌دهد، خودم هرازگاهی به پسرهم پول می‌دهم یا چیزی برایش می‌خرم تا تشویق شود و از کار زده نشود. او ادامه می‌دهد: شوهرم کارگر تاسیسات ساختمانی است. اجازه‌نشین هستیم و قسط‌های وام ازدواجمان هم عقب افتاده است. به‌ناچار سسر کار آمدم و ماهی ۶۰۰تا ۷۰۰هزار تومان حقوق می‌گیرم. اما اگر ابوالفضل را سر کار می‌آورم، فقط به این دلیل است که پسر است و می‌خواهم با محیط کار آشنا شود و مسئولیت‌پذیر بایاید. شوهرم می‌خواست او را با خودش به سر کار ببرد، اما به‌خاطر کرونا فعلا با من می‌آید.

این اولین باری نیست که از بزرگ‌مردان کوچک می‌نویسیم و به احتمال زیاد آخرین بار هم نخواهد بود. اما باز هم دایم در ذهنم این مصراع را برای امیدواری مسرو می‌کنم که: «پایان شب سیه، سفید است؟»

گوشت تبریزی، دوریال

خراسان. از قرار ی که از مشهد مقدس نوشته‌اند در شب جمعه نهم شوال‌المکرم چهارم‌رتبه در شهر مشهد زلزله شده اما چندان شدت نداشته است. در همان وقت نیز در قوچان و چناران زلزله سختی شده جزئی خرابی رسیده بود. از اتفاق اینکه شخصی به صدمه زلزله فوت شده بود، چون نش او را به مغسل آوردند دربین تغسیل، میت حرکت کرده و برخاست‌ونشست. غسال فجا کرده و بعد از یک روز فوت کرد و آن شخص بعد از دو روز فوت نمود.

در دوازدهم ماه یک شبانه‌روز پیوسته برف و باران بارید. حال بحمدا... همه چیز در بازار یافت می‌شود. نرخ اجناس از این قرار است: گندم خرواری ۱۵تومان، جو خرواری ۱۰تومان، کاه خرواری ۱۵تومان، نان سه چهار یک، یک هزار، نخود یک خروار ۲۰تومان، برنج عنبربو یک من تبریز ۴هزار، روغن تبریزی ۸هزار، گوشت تبریزی دو ریال.

روزنامه ایران- شماره ۷۱- ۲۵ذیقعه۱۲۸۸

سسواره هداوند و کنگرلو و سیل‌سیر که در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود که از خراسان وارد دارالخلافه شدند در این روزها مرخصی حاصل کرده روانه گردیدند و عالیجاه حاجی‌محمدخان و سایر سرکردگان آن‌ها در ازای خدمات خراسان به خلعت آفتاب طلعت خسروانی مخلع گردیدند. خراسان. قرار ی که در روزنامه سبزوآر نوشته بودند در بلوک کاج، ابراهیم‌نام دختری داشته که بدون اذن پدر خود شوهر کرده بوده است. مشارالیه بعد از شنیدن این کیفیت ریسمانی به گلولی خود انداخته و خود را هلاک نموده است. هم در روزنامه خراسان که در هفته گذشته به مباشرین روزنامه رسید نوشته بودند که در کاروانسرای سبزوآراقاق اقامه‌محمدحسن تاجر اصفهانی را بریده بودند. حاکم آنجا مطلع شده، داروغه را فرستاد که اثر سارقین را بگیرند. خود اقامه‌محمدحسن در شهر نبود. برادرش گفته بود که رجوع نداشته باشید. بعد از آنکه خودش مراجعه کرده بود گفته بود که مال خودم را پیدا می‌کنم. از قرار ی که می‌گفته‌اند گویا از تسخیر، سر رشته داشته باشد حتی جویا شدند که اموال مسروقه چه بوده تفصیل آن را بروز نداده بود.

روزنامه وقایع اتفاقیه- شماره ۴۷- ۲ربیع‌الاول ۱۲۶۸.

منبع: اخبار خراسان در مطبوعات دوره قاجار
سید مهدی سیدقطبی

● **شهروند!** بچه‌های زباله‌گرد کم بودند، چشم‌مان به زنان زباله‌گرد سن بالا هم روشن شد. آفرین به مسئولان!



شهروند! محله پردیس در خیام ۶۳ کوچه نگین ۲. مانده‌ایم از دست کارتن‌خواب‌ها چه کار کنیم. همه پلاستیک‌های زباله را پاره می‌کنند.



شهرداری منطقه ۸

احتراما، در پاسخ به پیامک شهروند محترم با موضوع «عدم جلوگیری عوامل انتظامات بوستان کوهستانی از استعمال سیگار توسط شهروندان در داخل این بوستان» به استحضار می‌رساند: پیرو دستورالعمل شماره ۱۳/۹۷/۲۷۰۷ مورخ ۷مهر ۱۳۹۷ اداره کل بهبود محیط‌زیست شهری با موضوع ممنوعیت استفاده از قلیان در سطح بوستان‌ها و فضای سبز شهری، با توجه به هماهنگی‌های به‌عمل آمده، نیروهای انتظامات این بوستان، موظف هستند از استعمال قلیان توسط شهروندان در داخل بوستان جلوگیری کنند و همچنین پیمانکار توسط سیستم صوت و نصب پتر، هشدارهای لازم را به شهروندان اطلاع‌رسانی می‌نماید.

توضیح شهر آرا: آن‌طور که از متن بالا برمی‌آید، این دستورالعمل شامل استعمال سیگار نمی‌شود و در این خصوص، امکان رسیدگی قانونی به درخواست این شهروند محترم نیست، اما می‌شود با آموزش و فرهنگ‌سازی، استعمال دخانیات در فضای بوستان‌ها را به حداقل رساند.

غلامرضا
رحیمی‌پور،
رئیس اداره
سرمایه
انسانی
سرباز ستاد
کل نیروهای
مسلح:
ترخیص از
خدمت برای
سربازانی
که درکنکور
قبول شده‌اند
با شروع
کلاس‌های
درسی
خواهد بود.



منشور حقوق و مسئولیت های شهرفشینی شهر مشهد(۱۴)

فصل پنجم: حق بر اقتصاد

۱-۵ مالکیت

۴۴) اداره محلی موظف است نسبت به برنامه ریزی واتخاذ تدابیر اجرایی لازم به منظور باز آفرینی فضاهای شهری در جهت تنظیم مالکیت زمین و بهبود محلات ناپایدار و سکونت گاه های غیررسمی اقدام نماید.

برای مطالعه منشور کامل حقوق ومسئولیت های شهرفشینی شهر مشهد کد QRبرو راسکن کنید



نگاه کار



نگاه شما

حوار به

به روایت منشور